


جانشینی دولت فعلی عراق؛

مسئولیت بین‌المللی جبران خسارت‌های ناشی از جنگ تحمیلی

بهزاد سیفی / استادیار حقوق بین‌الملل، دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ع) نوشهر

seifyb@yahoo.com  orcid.org/0000-0001-9701-6663

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵ - پذیرش ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

چکیده

رژیم بعث عراق با شروع جنگ تحمیلی، ضمن وارد آوردن خسارات فراوان به جمهوری اسلامی ایران، مکرراً مرتکب نقض قواعد اساسی حقوق مخاصمات مسلحانه شد. همین امر موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت عراق را در پی داشت؛ اما با سرنگونی رژیم بعث عراق و جانشینی دولت فعلی عراق، جبران خسارت جمهوری اسلامی ایران با چالش مواجه شد. با وجود این، پیامدهای جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی، مطمح‌نظر دکترین حقوق بین‌الملل بوده است. حقوق بین‌الملل این امر را پذیرفته است که تغییرات سیاسی و حکومتی در کشورها تأثیری بر موضوع مسئولیت بین‌المللی و حتی بدهی‌های خارجی آنها نخواهد داشت. این امر در کنوانسیون ۱۹۸۳ وین در زمینه جانشینی دولت‌ها نسبت به اموال، اسناد و بدهی‌ها، به‌نحوی پذیرفته شده است. از این‌رو لزوم جبران خسارت و ارتباط تنگاتنگ جمعیت و سرزمین با کشور جانشین و عینی بودن حقوق و تعهدات، اقتضا دارد که مسئولیت به دولت جانشین و ادامه‌دهنده منتقل شود. در این مقاله، ضمن اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در جنگ تحمیلی، اثبات می‌کند که به‌لحاظ حقوقی، دولت فعلی عراق به‌عنوان ادامه‌دهنده دولت قبلی، جانشین رژیم پیشین است و تعهدات و حقوق دولت بعثی طبق اصل جانشینی دولت‌ها، به‌عنوان ادامه‌دهنده دولت قبلی به دولت جدید عراق منتقل می‌شود. بنابراین دولت ایران مستحق است که خسارت جنگ تحمیلی را از دولت فعلی عراق مطالبه کند.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت بین‌المللی، جبران خسارت، نقض حقوق بشردوستانه، جانشینی دولت.

جنگ عراق برضد ایران، یکی از خونین‌ترین و دهشتناک‌ترین منازعات مسلحانه بین‌المللی است که پس از جنگ دوم جهانی رخ داده و در جریان آن جنایاتی به‌وقوع پیوسته که بی‌سابقه یا کم‌سابقه است. در دوران این جنگ، متأسفانه بسیاری از قواعد و مقررات مسلم حقوق بین‌الملل و اصول انسانیت به‌طور مستمر از سوی طرف عراقی نقض شد؛ بدون اینکه جامعه بین‌المللی واکنش مؤثری را از خود نشان دهد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از این نقض‌ها تحت عنوان جنایت بین‌المللی قابل طبقه‌بندی‌اند. به‌طور کلی، تخلفات نیروهای عراقی شامل نقض موافقتنامه‌های دوجانبه همانند قرارداد ۱۹۷۵ و همچنین موافقتنامه‌های چندجانبه بین‌المللی همانند منشور ملل متحد، نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در ارتباط با قواعد حقوق جنگ، نقض پروتکل ۱۹۲۵ منع به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و همچنین بسیاری از اصول و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل بوده است (میرعباسی، ۱۳۹۷). لذا پس از تجاوز نیروهای نظامی دولت عراق به خاک ایران در تاریخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ و در جریان هشت سال جنگ تحمیلی، همواره یکی از خواسته‌های اصلی مقامات و مردم ایران محکومیت دولت عراق به‌عنوان متجاوز و پرداخت غرامات مربوطه به‌دلیل مسئولیت بین‌المللی عراق در اثر نقض تعهدات بین‌المللی خود براساس بسیاری از قواعد مسلم حقوق بین‌الملل بوده است؛ اما یکی از موانع مهم در مقابل طرح مسئولیت برضد رژیم بعث عراق، انحلال دولت قبلی و ایجاد دولت جدید در عراق است که در حقوق بین‌الملل عمومی تحت عنوان جانشینی دولت‌ها مطرح می‌شود.

اهمیت این تحقیق از آن‌روست که می‌تواند مسئولیت دولت جدید عراق ناشی از نقض حقوق بشردوستانه و خسارت‌های وارده به جمهوری اسلامی ایران توسط رژیم بعثی را معین و مشخص کند و ضرورت تحقیق نیز از این‌روست. مطالعه ابعاد حقوقی این مسئله امری ضروری به‌نظر می‌رسد و عدم بررسی این موضوع موجب نادیده انگاشتن حقوق جمهوری اسلامی ایران می‌شود. بنابراین، این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که آیا دولت جدید عراق در قبال اعمال رژیم بعث، مسئول جبران خسارت‌های وارد به جمهوری اسلامی ایران است؟ از این‌رو این مقاله ضمن اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در جنگ تحمیلی، اثبات می‌کند که به‌لحاظ حقوقی دولت فعلی عراق جانشین رژیم پیشین و ادامه‌دهنده دولت قبل است و تعهدات و حقوق دولت بعثی، طبق اصل جانشینی دولت‌ها، به دولت جدید عراق منتقل می‌شود. بنابراین، دولت ایران می‌تواند جبران خسارت جنگ تحمیلی را از دولت فعلی عراق مطالبه کند.

روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی - تحلیلی، و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و با رجوع به منابع از طریق کتب، اسناد، نشریات ادواری، اینترنت و فیش‌برداری، به داده‌های تحقیق دست می‌یابیم.

۱. ادبیات تحقیق

تبیین جانشینی دولت‌ها بر مسئولیت بین‌المللی، مستلزم مطالعه هم‌زمان دو زمینه از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مسائل حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق جانشینی و حقوق مسئولیت بین‌المللی است و جالب‌تر آنکه در تعریف جانشینی دولت، از مؤلفه مسئولیت بین‌المللی بهره گرفته شده است.

کنوانسیون وین در خصوص جانشینی دولت‌ها در زمینه معاهدات، متضمن آن است که دولت جانشین، مسئولیت روابط بین‌المللی را در یک سرزمین بر عهده می‌گیرد. حقوق مسئولیت بین‌المللی، ناظر بر قواعدی است که در پس نقض تعهد اولیه مطرح می‌شوند. در واقع، حقوق مسئولیت بین‌المللی متضمن قواعد ثانویه حقوق بین‌الملل است و ارتکاب هر عمل متخلفانه بین‌المللی، موجب مسئولیت دولت می‌شود. طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، متضمن قواعد حاکم بر حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت است» (فضائلی و ستایش‌پور، ۱۳۹۸).

مسئولیت حقوقی بین‌المللی عبارت است از تکلیفی که به موجب حقوق بین‌الملل به یک دولت تحمیل می‌شود تا خسارتی را که در اثر نقض قواعد حقوق بین‌الملل ناشی از عمل یا خودداری او از انجام تکلیف، به دولت دیگری وارد شده است، جبران کند (صابری‌نژاد علویان، رضوی‌راد، ۱۳۹۹).

دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳، طی گزارشی، سیاست تجاوزکارانه رژیم بعث عراق در جنگ برضد ایران را تأیید کرد. افزون‌براین، عدم اعتراض شورای امنیت به این اقدام و تأیید ضمنی آن با سکوت خود، دلیلی بر مسئولیت بین‌المللی دولت عراق خواهد بود. با تأیید ضمنی شورای امنیت، گزارش دبیرکل براساس اختیار مندرج در قطعنامه ۵۹۸، از ارزش حقوقی برخوردار شد. از زمان صدور گزارش مذکور تا کنون، هیچ دولتی (به‌استثنای رژیم بعث عراق) به آن اعتراض نکرده است. یکی از مزایای این گزارش، پایان دادن به بحث معرفی آغازگر منازعه است (قریشی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین، زمینه درخواست حق دریافت غرامت را فراهم خواهد آورد.

البته مقامات سیاسی ایرانی در سطوح سیاسی و مناسبت‌های گوناگون این موضوع را یادآور می‌شوند. برای مثال، پس از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در سال ۱۳۸۳، وزیر وقت خارجه ایران با ارسال نامه‌ای به کوفی عنان، دبیرکل وقت ملل متحد (ضمن اشاره به گزارش پرز دوکوئیبار در سال ۱۹۹۱م و معرفی رژیم بعث عراق به عنوان آغازگر جنگ)، بر حق دریافت غرامت تأکید کرد. در برابر این ادعا، دبیرکل با دوجانبه خواندن موضوع، اعلام کرد که ایران می‌تواند پس از تشکیل حکومت مردمی و مورد قبول جامعه بین‌المللی، با حکومت مذاکره کند. این موضوع همواره به مقامات عراقی یادآوری می‌شود. در انتها، ذکر این نکته ضروری است که در دنیای دیپلماسی امروز، هیچ پیوندی میان روابط دوستانه دو کشور و مطالبه حقوق وجود ندارد؛ به‌طوری‌که، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات باعث تقویت روابط میان ملت‌ها می‌شود (قریشی، ۱۳۹۷).

۲. مسئولیت دولت‌ها ناشی از نقض حقوق بین الملل بشردوستانه

در حقوق بین الملل، معمولاً نقض قواعد بین المللی می‌تواند دو نوع مسئولیت بین المللی را به دنبال خود بیاورد: مسئولیت کیفری بین المللی افراد و مقامات؛ و مسئولیت بین المللی دولت‌ها. هدف اصلی مسئولیت در حقوق بین الملل بشردوستانه، اطمینان از به کارگیری تمام ابزارها و روش‌های مورد استفاده در درگیری‌های مسلحانه برای انطباق با حقوق بشردوستانه بین المللی خواهد بود (سیفی، ۱۳۹۹). اصل بر این است که هر فعل متخلفانه بین المللی که توسط فرد صورت می‌گیرد و به نقض حقوق بشردوستانه بین المللی منجر می‌شود، تحت پیگرد و مجازات باقی خواهد ماند (ملزر و کاستر، ۲۰۱۶، ص ۴۵).

مسئولیت دولت، یکی از قدیمی‌ترین مسائل حقوق بین الملل است. این موضوع، ابتدا برای حمایت از بیگانگان مدنظر قرار گرفت و توسعه یافت؛ سپس در رابطه با مسئله دولت با دولت مطرح شد و در جایی به کار گرفته شد که دولتی مرتکب یک اقدام خلاف برضد دولت دیگر شود (راعی، ۱۳۸۶). حقوق مسئولیت دولت، در یک چارچوب کلی تدوین شده است که در بسیاری از زمینه‌ها، چارچوبی اساسی برای محدود کردن آزادی دولت در رفتار و در روابط بین المللی است و می‌تواند یک مبنای حقوقی نظری برای رفتار کشورها در سطح بین المللی فراهم کند؛ به‌ویژه در صورت تخلف از قواعد آمره، یک چارچوب جدید برای امنیت حاکمیت ایجاد می‌کند (گارسیا، ۲۰۱۶، ص ۱۰۴). با این حال، گاهی اوقات رفتار کشورها مانع از مسئولیت دولت می‌شود؛ اما اگر مسئولیت دولت ایجاد شود، باید آن را با پرداخت غرامت یا هر وسیله‌ای دیگر جبران کند (بریو و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۲۳-۲۱). یک عمل غیرقانونی، به علت نقض معاهدات و قواعد حقوق عرفی منتسب به دولت ایجاد می‌شود. در خصوص مسئولیت، می‌توان در طرح مواد پیش‌نویس مربوط به مسئولیت دولت برای اعمال متخلفانه بین المللی کمیسیون حقوق بین الملل، مجموعه‌ای از اصول کلی خاص را برای طرح مسئولیت دولت، با توجه به نقض یک تعهد بین المللی در اثر عمل متخلفانه، یافت؛ شامل نقض حقوق بشردوستانه بین المللی در هر دو مخاصمه مسلحانه بین المللی و غیربین المللی.

به موجب ماده (۴۷) قرارداد چهارم سال ۱۹۰۷ م لاهه، دولت‌های متخاصم مسئولیت کلیه اعمالی را که افراد جمعی نیروهای نظامی آنها مرتکب شده باشند، عهده‌دار می‌باشند. وظیفه دولت در این زمینه، دو گونه است: اول، پیشگیری از ارتکاب عمل؛ دوم، مجازات مجرم و مرتکب؛ و دولت متبوع افراد مقصر و مجرم نمی‌تواند به‌عذر اینکه در قوانین داخلی، مجازات این قبیل مجرمین پیش‌بینی نشده است، از تعقیب و تنبیه آنان خودداری ورزد (نمایان، ۱۳۸۵).

براساس طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) در قبال اقدامات ارگان دولت، می‌توان به مسئولیت بین المللی آن دولت استناد کرد. در واقع، نقض تعهدات بین المللی موجب مسئولیت بین المللی دولت می‌شود (ماده ۱

طرح مسئولیت دولت‌ها، ۲۰۰۱). این اصل، یک اصل کلی است که در مورد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز صادق است. اصول حاکم بر آن نیز همان است که در طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) آمده است. دولت‌ها مسئول اعمال ارکان خود، از جمله نیروهای مسلح خود هستند (ماده ۴ طرح مسئولیت). به‌علاوه، مطابق ماده ۶۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، دولت متخاصم به‌واسطه اعمال ارتكابی افراد متعلق به نیروی نظامی خود، مسئول است. همچنین براساس ماده ۱ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، دولت‌های عضو متعهدند که تحت هر شرایطی، علاوه بر رعایت مقررات این کنوانسیون‌ها، در جهت تضمین رعایت این مقررات از سوی سایر دولت‌ها تلاش کنند. این تعهد به تلاش، در جهت تضمین رعایت این مقررات از سوی سایر دولت‌هاست و نظارت مستمر بر عملکرد نیروهای نظامی را می‌طلبد (رتجربیان و بذار، ۱۳۹۷).

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در قاعده ۱۴۹ حقوق بین‌الملل عرفی، این امر را تأیید می‌کند و رویه دولت‌ها این قاعده را به‌منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال می‌داند (هنکرت و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۴۹). در واقع یک قاعده دیرینه از حقوق بین‌المللی عرفی وجود دارد که در ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه، مصوب ۱۹۰۷، منعکس و در ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول تکرار شده است، مبنی بر اینکه دولت مسئول «کلیه اعمال اشخاصی است که بخشی از نیروهای مسلح آن کشور را تشکیل می‌دهند». این قاعده، به‌واقع اعمال قاعده کلی مسئولیت دولت در زمینه تخلفات بین‌المللی است که به‌موجب آن، دولت مسئولیت رفتار ارگان خود را بر عهده دارد (ماده ۴ پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها). بنابراین، همه عملیات‌های نظامی که از طرف دولت انجام شده‌اند، به‌طور مستقیم به دولت منتسب است. در صورت نقض فاحش حقوق بشردوستانه، علاوه بر مسئولیت دولت، مسئولیت کیفری فردی نیز مطرح می‌شود (ماده ۲۵ بند ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری). دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در حکم خود در قضیه فوروندزیجا (Furundzija case) در سال ۱۹۹۸ م و در حکم خود درباره تقاضای پژوهش در پرونده تادیچ (Tadic case) در سال ۱۹۹۹ م اظهار داشت که دولت مسئول رفتار نیروهای مسلح خود است.

وظیفه مراقبت، نقش کلیدی در مسئولیت دولت ایفا می‌کند. برای مثال، آنها موظف‌اند که مطمئن شوند اسلحه‌هایشان از تولیدکنندگان قابل اعتماد تهیه شوند؛ آنها قبل از استفاده، به‌اندازه کافی تست خواهند شد و فرماندهان، آموزش کافی و اطلاعات کافی در مورد عملکرد و خطرات ناشی از سلاح‌های مورد استفاده دریافت خواهند کرد. در واقع، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که فرماندهان درک خوبی از عملکرد سلاح و به‌کارگیری آن داشته باشند و به‌درستی پیامدهای انجام این کار را پیش‌بینی کنند. هنگامی که کشوری از این تعهدات شانه خالی می‌کند، می‌توان آن را تحت حقوق بین‌المللی مسئول دانست. در این راستا، می‌توان ماده ۳۶ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو را مدنظر داشت (آیوا و ساوی، ۲۰۱۵، ص ۳۴). ماده ۸ مواد پیش‌نویس مربوط به

مسئولیت دولت برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، مشخص می‌کند که رفتار یک شخص یا گروهی از اشخاص، اگر در حقیقت بر مبنای دستورها یا تحت هدایت یا کنترل کشوری عمل کنند، باید به موجب حقوق بین‌الملل، عمل آن کشور دانسته شود. از این رو مسئولیت دولت به‌طور مستقل از هرگونه مسئولیت کیفری فردی یا جمعی وجود دارد. این بدان معناست که هر دولتی بابت نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط نیروهای مسلح آن دولت، مسئول است. از این رو اگر «نقض فاحش حقوق بین‌المللی بشردوستانه و یا قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌عنوان یک نتیجه از یک عملیات با تسلیحات به‌کارگرفته‌شده ایجاد شده باشد، دولت مسئول است که جبران خسارت نماید. این اصل، هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح قابل اجراست» (ملزر، ۲۰۱۳، ص ۴۱-۴۲). این قاعده توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در قاعده ۱۵۰ به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی مطرح شده است و در قضیه کارخانه کورز در سال ۱۹۲۸م، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری آن را به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل و حتی یکی از مفاهیم کلی حقوق مورد تصدیق قرار داده و اظهار کرده است که هرگونه نقض تعهد، مستلزم تعهد به جبران خسارت است (هنرکتر و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۶۱). به‌عبارتی دیگر، این مسئولیت، مسئولیت براساس حقوق بین‌الملل است؛ یعنی نوعی مسئولیت خاص (sui generis) است که بیشتر به‌جبران خسارت محدود می‌شود؛ زیرا مسئولیت کیفری دولت تا کنون در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده است (داعی، ۱۳۸۷).

قواعد حاکم بر حقوق کیفری بین‌المللی، همه بر این واقعیت مهم تأکید دارند که هیچ‌کس را نباید برای یک عمل غیرقانونی که او نه متعهد به آن است و نه در برنامه‌ریزی برای انجام آن مشارکت داشته، مسئول دانست. پرسنل نظامی، اعم از رزمندگان و فرماندهان نظامی، همه بازیگران اصلی در زمان جنگ‌اند و حقوق و تعهدات آنها به‌خوبی تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأسیس شده است. در زمینه مسئولیت افراد در ارتکاب جرایمی که جنبه نقض مقررات بین‌المللی داشته باشد، تا قبل از جنگ جهانی دوم یک رشته جرایم موجود بود که جنبه عام داشت و ناشی از قواعد فرعی و قراردادی بین‌المللی بود (نماین، ۱۳۸۵).

حقوق بین‌الملل که تعهدات بین‌المللی متعددی را برای حمایت از افراد در نظر می‌گیرد، تعهداتی را هم از افراد می‌خواهد. در واقع، در نظام حقوقی بین‌المللی موقعیت‌هایی هست که در آن، مسئولیت «فرد» به‌طور مستقیم مطرح می‌شود. این مسئولیت فردی، امکان محاکمه و مجازات افرادی را فراهم می‌کند که از قواعد این نظام حقوقی تخلف می‌کنند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، یکی از زمینه‌های اصلی طرح این نوع مسئولیت فردی در حقوق بین‌الملل است. این حقوق، نه تنها دولت‌ها، بلکه افراد را هم متعهد به اجرای آن می‌کند و هر فرد را به‌تنهایی مسئول رعایت مقررات می‌داند. بنابراین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه در کنار قواعد نظارت و کنترل مربوط به دولت‌ها، برای اجرای مؤثر این حقوق، قاعده‌ای کلی را وضع می‌کند که طبق آن، هر فرد مرتکب تخلف از مقررات بشردوستانه، مسئول آن تخلف است و مستوجب مجازات؛ که حکم آن را حسب مورد، در دادگاهی ملی یا مرجع

قضایای بین‌المللی اعلام می‌کند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۶). از این رو افراد در قبال جنایات جنگی‌ای که خود مرتکب می‌شوند یا دستور ارتکاب آنها را می‌دهند یا در ارتکاب آنها به دیگران کمک می‌کنند، مسئول‌اند. ماده ۷ اساسنامه محکمه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۶ اساسنامه محکمه کیفری بین‌المللی برای رواندا و ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مقرر می‌دارند، شخصی که به برنامه‌ریزی تحریک امر یا انجام جرمی مبادرت ورزیده یا از طریق دیگر در برنامه‌ریزی و فراهم کردن زمینه یا انجام آن کمک یا مشارکت کرده باشد، در قبال آن جرم به‌طور فردی مسئول است. این ماده، یکی از اصول اساسی حقوق کیفری بین‌المللی، یعنی اصل مسئولیت کیفری فردی را پذیرفته است (رضایی‌نژاد، ۱۳۹۶).

براین اساس، از یک سو از حیث نقض فاحش و جدی قواعد حقوق بشردوستانه یا به‌تعبیردیگر حقوق جنگ، اعمال نیروهای عراقی موجبات مسئولیت کیفری بین‌المللی (جنایت جنگی) صدام و سایر مقامات سیاسی و نظامی رژیم سابق عراق را فراهم ساخته است؛ و از سوی دیگر، مسئولیت بین‌المللی خود دولت عراق به دلیل اعمال نهادهای کارگزاران دولتی را ایجاد کرده است. در ارتباط با مسئولیت کیفری افراد، دولت عراق و سایر دولت‌ها ملزم‌اند که در صورت دستگیری متهمین، آنها را محاکمه کنند و در صورت عدم تمایل یا امکان قضایی، آنها را به کشورهای دیگری که شرایط محاکمه و مجازات در آنها فراهم است، مسترد کنند. در این خصوص شایان ذکر است که پس از سرنگونی رژیم سابق عراق، شرایط محاکمه و مجازات صدام حسین و برخی از مقامات سیاسی و نظامی این کشور در دادگاه ویژه‌ای فراهم آمد. صلاحیت قضایی این دادگاه عبارت از رسیدگی به جنایات بین‌المللی ارتكابی (جنایت نسل‌کشی، جنایات جنگی و تجاوز) در سرزمین عراق یا مناطق دیگر است. البته در این زمینه چند نکته را باید به‌خاطر داشت: نخست اینکه وفق اساسنامه دادگاه مذکور، موضوع رسیدگی به تجاوز به خاک ایران در صلاحیت این دادگاه قرار نگرفته است؛ دوم اینکه تنها این دادستان عراقی است که پرونده‌ها را انتخاب می‌کند و تاکنون تمایلی به ارجاع جنایات ارتكابی برضد اتباع ایرانی به دادگاه نداشته است و بعید به‌نظر می‌رسد که در آینده نیز در این خصوص اقدامی صورت پذیرد (میرعباسی، ۱۳۹۷).

۳. نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط عراق در جنگ تحمیلی

یازده سال پس از تهاجم عراق به ایران و سه سال و سه ماه پس از برقراری آتش‌بس در مرزهای ایران و عراق در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷، *خاویر پرز دکوئیر*، دبیر کل وقت سازمان ملل، پس از دریافت گزارش دو کشور عراق (۷ شهریور ۱۳۷۰) و ایران (۲۴ شهریور ۱۳۷۰) و مطالعه و ارائه این مستندات به گروه کارشناسان خبره بلژیکی به انتخاب خود، در ۹ دسامبر ۱۹۹۱م (۱۸ آذر ۱۳۷۱) گزارش نهایی خود را حاضر کرد و به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داد. در این گزارش، عراق به‌عنوان آغازگر جنگی معرفی شد. معرفی عراق به‌عنوان مسئول و آغازگر جنگ، از منظر حقوقی

دارای پیامدهای بسیار مهمی برای جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه از یک سو نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در دفاع از تمامیت ارضی و موجودیت خویش در مقابل تجاوز عراق براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، مختار و محق بوده است. در واقع، معرفی عراق به‌عنوان آغازگر جنگ، حقانیت ایران را در طول جنگ به اثبات رساند. از منظر حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل پس از معرفی متجاوز باید اقدامات لازم را برای پایان جنگ، تخلیه خاک کشور اشغال‌شده، دریافت غرامت از متجاوز و تنبیه متجاوز انجام دهد. در این تجاوز، «۵۰ شهر و ۴۰ هزار روستای ایران بر اثر جنگ خسارت دیده‌اند و مجموعاً دوسوم جمعیت ایران در معرض جنگ بوده‌اند» (ایسنا، ۱۳۹۷).

عراق در طول جنگ تحمیلی بارها هواپیماها، فرودگاه‌ها و قطارهای مسافربری را هدف حملات خود قرار داد. ایران در برابر این نقض‌های حقوق بین‌الملل، به شدت آن را محکوم کرد و این اعمال را اقدام جانی‌تکارانه نامید. برای نمونه، در سال ۱۳۶۵ عراق در حمله به فرودگاه شیراز، یک هواپیمای مسافربری را هدف حملات خود قرار داد. وزارت خارجه ایران در پی نقض حقوق مخاصمات مسلحانه، با ارسال یادداشتی برای دبیرکل ملل متحد، از وی خواست تا به سرعت هیئتی را برای بازدید از آثار این جنایت جدید عراق اعزام کند و مانع از اقدامات مشابه در آینده شود. در همین سال، عراق به یک قطار مسافربری نیز حمله کرد؛ درحالی‌که براساس ماده ۵۲ پروتکل اول ژنو، هیچ‌یک از این اهداف هدف مشروع نظامی محسوب نمی‌شود (شافع، ۱۳۸۰).

بهمن سال ۱۳۶۲ نقطه تاریکی در حمله به شهرهای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در ۱۳ بهمن، عراق اعلام کرد که بعد از روز دوشنبه آینده، هفت شهر دزفول، اندیمشک، اهواز، کرمانشاه، ایلام، آبادان و شوش را هدف حملات خود قرار خواهد داد و ادعا کرد که ایران نیز شهرهای عراق را هدف حملات خود قرار داده است. این موضع‌گیری و تهدیدات، برای نخستین بار واکنش شدید مقامات ایرانی را در پی داشت. از ۲۲ بهمن، حمله به شهرهای اعلام‌شده آغاز شد و دزفول، آبادان، بندر امام، اسلام‌آباد، اهواز و گیلان غرب هدف بمباران و حملات عراق قرار گرفتند (همان).

یکی دیگر از نقض‌های اساسی حقوق بشردوستانه، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران مردم غیرنظامی بود. عراق از اواخر دی ماه ۱۳۵۹، به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را علیه ایران آغاز و دو سال پس از آن، از زمستان ۱۳۶۱ به استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی روی آورد و تا پایان جنگ نیز به این کار ادامه داد. در تمام طول این دوره، اعتراض‌های کتبی دولت جمهوری اسلامی ایران به این عمل دولت عراق که ناقض اصول مسلم حقوق مخاصمات مسلحانه و معاهدات بین‌المللی بود و بدون تردید، عنوان جنایت جنگی به آن اطلاق می‌گردد، به‌طور مستمر به شورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم می‌شدند و هر بار به‌عنوان اسناد شورای امنیت به ثبت می‌رسیدند و انتشار می‌یافتند. علی‌رغم ده‌ها اعتراض دولت جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین‌المللی، نه تنها وقفه‌ای در ارتکاب جنایت مزبور

توسط عراق ایجاد نگردید، بلکه بر تعداد حملات افزوده شد. اعتراضات مکرر ایران در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ و انتشار اخبار جنایات هولناکی که به طور روزانه توسط رژیم عراق صورت می‌گرفت، موجب شد تا افکار عمومی در کشورهای غربی برانگیخته شود. با افزایش فشار افکار عمومی جهانی، دبیر کل سازمان ملل متحد هیأتی چهار نفره را جهت بررسی اعتراضات ایران به منطقه اعزام کرد. اولین گزارش «متخصصان منصوب دبیر کل سازمان ملل متحد برای بررسی ادعاهای جمهوری اسلامی ایران در خصوص استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی» در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۸۴ به عنوان سند شورای امنیت و تحت شماره ۱۶۴۳۳ انتشار یافت. گزارش مزبور استفاده از گاز خردل و گاز اعصاب (تابون) علیه مناطقی که در جمهوری اسلامی ایران مورد بازدید قرار گرفته بود را مورد تأیید قرار داد. برخی از رویه‌های قضایی نیز مؤید نقض حقوق بشردوستانه و استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی می‌باشد. برای نمونه، در آلمان برخی اقدامات قضایی علیه یک شرکت آلمانی واسطه و در حال انحلال به اتهام کمک به رژیم بعث عراق در ایجاد تأسیسات صنعتی برای تولید مواد شیمیایی مورد استفاده در تسلیحات انجام گرفت؛ لیکن پرونده صرفاً بر اساس نقض مقررات گمرکی پیگیری شد و بدون سروصدا خاتمه پیدا کرد و نامی از شرکت‌های شاخص آلمانی که مواد و تجهیزات و فناوری لازم را برای رژیم عراق فراهم کرده بودند، برده نشد. نمونه دیگر، محکومیت فردی به نام «فرانس فان آنرات» تبعه هلند در این کشور به اتهام مشارکت در تأمین مواد شیمیایی به منظور تولید تسلیحات شیمیایی برای رژیم عراق بود. مع ذلک، اهمیت رأی صادره در آن است که مرجع قضایی یک کشور غربی، پس از تحقیقات گسترده، بر اعتراض‌های مکرر ایران در طول جنگ مهر تأیید زده و ارتکاب جنایات جنگی فجیع توسط رژیم بعث عراق را غیرقابل انکار کرده است (خلاصه حکم، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱-۲۱۲).

۴. مسئولیت دولت جدید عراق به عنوان ادامه‌دهنده دولت پیشین عراق

نهاد جانشینی در حقوق بین‌الملل، فقط به روابط میان دولت‌ها محدود می‌شود و درباره موجودیت‌های حقوقی و افراد خصوصی قابل اعمال نیست. در نتیجه، وضعیت‌های ناشی از ماده (۱۰۲) طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، «انتساب» عمل متخلفانه بین‌المللی جنبش‌های شورشی یا غیر آن به دولت جدید را در بر نمی‌گیرد. همچنین مواد ۱۶ تا ۱۹ سند اخیر (اجبار، کمک، هدایت و کنترل دولت دیگر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی) خارج از بحث جانشینی دولت‌ها در مسئولیت بین‌المللی است (شافع و بذار، ۱۳۹۷)؛ اما به موجب ماده ۲ (۱) (ب) کوانسیون ۱۹۷۸ وین در زمینه جانشینی دولت‌ها بر معاهدات، کوانسیون وین در خصوص جانشینی دولت‌ها بر اموال، آرشیوها و بدهی‌های دولت (۱۹۸۳) و نیاز ماده ۲ (الف) مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به تابعیت اشخاص حقیقی در مورد جانشینی دولت‌ها، درمی‌یابیم که مفهوم جانشینی دولت‌ها به دنبال آن است تا وضعیت‌هایی را بررسی کند که در آن، مسئولیت روابط بین‌المللی یک سرزمین، از یک دولت به دولت یا دولت‌های

دیگر منتقل می‌شود (دریکوندی، ۱۳۷۶، ص ۴). بدین ترتیب، دامنه مفهومی «جانشینی دولت‌ها بر مسئولیت بین‌المللی»، تنها منحصر به بررسی پیامد یا پیامدهای حقوقی‌ای است که پس از تحقق جانشینی دولت‌ها مطرح می‌شود و صرف‌نظر از چندوچون تأسیس و جانشینی دولت است (فضائلی و ستایش‌پور، ۱۳۹۸).

جانشینی کشورها در زمینه مسئولیت بین‌المللی، به لحاظ حقوقی به جانشین کشورها در زمینه تعهدات ناشی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی بازمی‌گردد. در واقع، بنیان جانشینی کشورها در زمینه مسئولیت بین‌المللی دانسته می‌شود (فضائلی و ستایش‌پور، ۱۳۹۹). در خصوص مسئله جانشینی دولت‌ها در مسئولیت بین‌المللی، باید چند وضعیت را از هم تفکیک کرد: الف) وضعیتی که دولت جدید شخصیت حقوقی دولت سابق را پس از تاریخ جانشینی ادامه می‌دهد؛ ب) وضعیتی که چنین دولتی وجود ندارد؛ ج) مواردی که علاوه بر ایجاد وضعیت جانشینی، دولت سابق نیز کماکان وجود دارد (شافع و بذار، ۱۳۹۷). اساساً جانشینی دولت‌ها به‌انحای گوناگونی تحقق‌پذیر است. استقلال و استعمارزدایی، وحدت، انضمام، جدایی و انحلال، قالب وضعیت‌هایی هستند که از رهگذر آنها امکان تحقق جانشینی وجود دارد. البته بعضی وضعیت‌ها با یکدیگر همپوشانی دارند. برای مثال، استقلال و استعمارزدایی معمولاً دو روی یک سکه‌اند و با یکدیگر ملازمه دارند. از همین رو احصای این موارد در آثار مختلف، متفاوت است. جامعه بین‌المللی با یک‌یک وضعیت‌های پیش‌گفته رویاروی بوده است و وقایع جامعه کنونی بین‌المللی نشان از آن دارد که ماجرای جانشینی بسیار حساسیت‌برانگیز است؛ چراکه با موجودیت دولت به‌عنوان تابع اولیه و فعال جامعه بین‌المللی گره خورده است. با توجه به گذار از دور زمانی استقلال کشورهای مستعمره و وفور جدایی‌ها و بعضاً انضمام‌ها و وحدت‌ها، شاید این تصور پیش‌آید که دیگر مسئله جانشینی دولت‌ها در جامعه بین‌المللی محلی از اعراب نداشته باشد؛ اما وقایع دنیای کنونی بین‌المللی نشان از آن دارد که جانشینی دولت‌ها، نه‌تنها مقوله‌ای نیست که رنگ باخته باشد، بلکه از مهم‌ترین موضوعات دانسته می‌شود (فضائلی و ستایش‌پور، ۱۳۹۸).

از دهه ۱۹۹۰م، رویه بین‌المللی حاکی از این است که اصل جانشینی در تعهدات ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی به‌وضوح مورد پذیرش قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که هیچ نمونه‌ای پس از این تاریخ نمی‌توان ذکر کرد که دولت جانشین، مسئولیت ناشی از اعمال قبل از تاریخ جانشینی دولت سابق را نپذیرفته باشد. با توجه به اصل دوام کشورها، تغییرات سیاسی ناشی از انقلاب و تغییر رژیم سیاسی کشورها یا تغییر رؤسای دولت‌ها، نوع و شکل دولت، جایگاه بین‌المللی و نام کشور، تأثیری بر حقوق و تکالیف کشورها براساس حقوق بین‌الملل ندارد. به‌عبارت‌دیگر، دولت جایگزین در برابر تمام اعمال دولت سلف خود ملزم و پاسخ‌گوست. فارغ از علل و اسباب به‌قدرت رسیدن دولت پیشین یا دولت جایگزین، این تغییرات در شخصیت بین‌المللی کشور تغییری ایجاد نمی‌کند؛ مانند اینکه فرانسه طی قرون متمادی دستخوش تحولات زیادی شد. این کشور از لحاظ نوع حکومت، ابتدا سلطنتی بود؛ بعد

جمهوری و سپس به امپراتوری تبدیل شد و بار دیگر به جمهوری تغییر شکل داد؛ ولی در شخصیت، حقوق و تکالیف بین‌المللی این کشور تغییری ایجاد نشد (داعی الاسلام، ۱۳۸۷).

اساساً محاکمه و مجازات جنایتکاران عراقی هرگز به مفهوم منتفی شدن مسئولیت بین‌المللی خود دولت عراق نیست. به عبارت دیگر، دولت عراق نیز به دلیل اعمال نیروهای نظامی خویش دارای مسئولیت بین‌المللی است و به دلیل اعمال این افراد می‌باید به قربانیان و زبان‌دیدگان از ارتکاب جنایات جنگی غرامت بپردازد. این موضوع صراحتاً در اسناد بین‌المللی پیش‌بینی شده است. برای مثال، مواد ۵۱، ۵۲، ۱۳۱ و ۱۴۸ کنوانسیون‌های اول، دوم، سوم و چهارم ژنو ۱۹۴۹، که دولتین ایران و عراق عضو آنها بودند و مقررات آن در زمره قواعد عرفی بین‌المللی قرار می‌گیرند، بیان می‌کند که هیچ دولتی نمی‌تواند از مسئولیت خویش به دلیل نقض‌های فاحش این کنوانسیون از سوی نیروهای نظامی خود شانه خالی کند. باین‌حال، این موضوع صرفاً به آن دسته از جنایاتی بازمی‌گردد که ماهیت نسبتاً فردی دارند. در مقابل، برخی از جنایات اساساً دولتی‌اند و دولت‌ها مستقیماً مسئول آنها هستند. برای مثال، نفس تجاوز عراق به ایران، که ماهیتاً نقض قاعده منع توسل به زور در روابط بین‌المللی است، موجب پدید آمدن مسئولیت بین‌المللی این کشور در قبال دولت و ملت ایران بوده است؛ به‌ویژه اینکه این قاعده یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل به‌شمار آمده و در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است و تخلف از آن به‌راحتی قابل اغماض نیست (میرعباسی، ۱۳۹۷).

در این خصوص باید توجه داشت که در انتساب اعمال نیروهای مسلح عراق به دولت عراق مشکلی در میان نیست. ارکان دولت عراق، از نیروهای مسلح گرفته تا مقامات اجرایی و قضایی این کشور، مرتکب موارد نقض اساسی کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی اول و نیز سایر اسناد مرتبط بین‌المللی شده‌اند. بنابراین، نه‌تنها مسئولیت دولت عراق در مقابل دولت ایران، بلکه در برابر «جامعه جهانی در کلیت آن» (International Community as a Whole) ایجاد شده است. در ضمن، موارد نقض اساسی کنوانسیون‌های ژنو، علاوه بر مسئولیت معاهده‌ای دوجانبه، موجب مسئولیت مشدد دولت نیز می‌شود؛ زیرا این قواعد «قواعد آمره» (Jus Cogens) محسوب می‌شوند و تابع نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل‌اند (ماده ۴۱ طرح مسئولیت). بنابراین، مسئولیت دولت عراق در این خصوص، مسئولیت بین‌المللی در برابر جامعه جهانی است و استیفای حقوق قربانیان موارد نقض اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در واقع استیفای حقوق جامعه جهانی در کلیت آن است (داعی الاسلام، ۱۳۸۷).

در مواردی که یک دولت پس از تاریخ جانشینی، ادامه‌دهنده شخصیت حقوقی دولت سابق تلقی شود، جانشینی در مسئولیت بین‌المللی به‌آسانی محقق می‌شود. دادگاه داووزی در «قضیه فانوس دریایی» به‌طور خاص این مهم را مورد توجه قرار داد. در این قضیه، یک شرکت فرانسوی حق انحصاری نگهداری از فانوس‌های دریایی جزیره کرت

را، که در آن زمان (۱۸۶۰م) تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی بود، کسب کرد. دولت فرانسه پس از سال ۱۹۱۳م که یونان حاکمیت خود را بر جزیره تثبیت نمود و به ملی کردن آن اقدام کرد، با ادعای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی مقامات امپراتوری عثمانی (دولت سابق)، از دولت یونان (دولت جانشین) درخواست خسارت کرد. دادگاه داوری در این قضیه اعلام کرد، از آنجاکه دولت ترکیه دولت ادامه‌دهنده شخصیت حقوقی امپراتوری عثمانی محسوب می‌شود، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان یونان را مسئول تلقی کرد (شافع و بذار، ۱۳۹۷).

این اصل که از اصول ثابت‌شده حقوق بین‌الملل عرفی است، به‌خوبی در رأی داوری «تینکو کانسشن» (Tinoco Concession) انگلیس برضد کاستاریکا در سال ۱۹۲۳م منعکس شده است. قاضی «تافت» (Taft) در حکم خود اِشعار داشت: «با توجه به اینکه تینکو در طول مدت حکومت خود بدون هیچ‌گونه مقاومت و یا درگیری تا قبل از برکناری، اداره کشور را بر عهده داشته است، تمام حقوق اعطایی از سوی وی معتبر است». در این رأی بر این نکته تأکید شده است که تغییرات ناشی از انقلاب و تغییرات فراقانون‌اساسی تأثیری بر هویت و شخصیت حقوقی کشورها ندارد و دولت جایگزین پاسخ‌گوی تمام اعمال دولت سلف خود باقی می‌ماند. بنابراین با توجه به این اصل، همان‌طور که دولت فعلی یا آینده عراق مسئول تمام بدهی‌ها و اعمال دولت سابق عراق است، بر همین مبنا در برابر خسارات وارده به جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال دفاع مقدس، از جمله نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی، مسئول و پاسخ‌گو است (داعی الاسلام، ۱۳۸۷).

۵. تکلیف به جبران خسارات

جبران خسارات وارده، یکی از اصول مشخصه حقوق مسئولیت بین‌المللی در زمینه اعمال متخلفانه بین‌المللی است که به‌موجب آن، هر شخص حقوقی بین‌المللی مسئولیت رفتار ارگان خود، اشخاص یا گروه‌هایی را که در واقع بنا به دستور آن شخص حقوقی بین‌المللی عمل کردند و تحت کنترل او بودند، داراست. این قاعده مشخصاً در قبال عمل متخلفانه بین‌المللی قابلیت طرح دارد. تعهد به جبران خسارت، در اسناد بین‌المللی بشردوستانه نیز به‌رسمیت شناخته شده است و برای هر طرف مخاصمه، خواه متجاوز و خواه مدافع، بار می‌شود (صابرنژاد علویان و رضوی‌راد، ۱۳۹۹). ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ و ماده ۹۱ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ مقرر می‌دارند، دولتی که مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض کند، در صورت مقتضی، مسئول پرداخت غرامت خواهد بود. این قاعده در ماده ۱۳۱ کنوانسیون سوم نیز به‌طور ضمنی با این عبارت که «دولت‌ها نمی‌توانند با محاکمه مرتکبین موارد نقض عمده، از خود سلب مسئولیت کنند»، منعکس شده است؛ ولی اسناد حقوق بشردوستانه فقط پرداخت غرامت را به‌طور صریح مطرح می‌کنند و سایر اشکال را به‌صراحت پیش‌بینی نمی‌کنند؛ ولی براساس آن مقررات، پرداخت غرامت فقط زمانی است که شرایط اقتضا کند. بنابراین در صورتی که شرایط اقتضا نکند، اصل کلی اعاده وضع به حالت سابق،

حاکم است. به‌رغم عدم ذکر صریح اعاده وضع به حالت سابق به‌عنوان یک روش جبران خسارت توسط اسناد حقوق بشردوستانه، در رویه بین‌المللی موارد متعددی مبنی بر شناسایی آن به‌عنوان روش جبران خسارت وجود دارد (شمسایی و سلیمی ترکمانی، ۱۳۸۷).

با توجه به اینکه رژیم بعث عراق مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی، یعنی آغازگر جنگ و به تعبیردیگر متجاوز شناخته شده است، در مسئولیت عراق تردیدی وجود ندارد (اخوان فرد و دهقانی دهج، ۱۳۹۷). بنابراین - همان‌طور که ذکر شد - مسئولیت دولت، از جمله مسئولیت دولت عراق، مسئولیت براساس حقوق بین‌الملل است؛ یعنی نتیجه آن، جبران خسارت است. دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه کارخانه کوزوو در سال ۱۹۲۸م اشعار می‌دارد: «نقض یک تعهد، مستوجب جبران خسارت است. جبران خسارت، پیامد اجتناب‌ناپذیر کوتاهی در اجرای یک معاهده است و نیازی نیست که این مسئله در معاهده ذکر شود». به‌علاوه در طرح مسئولیت (ماده ۳۱ طرح مسئولیت) آمده است: «دولت مسئول، موظف است خسارات ناشی از عمل از لحاظ بین‌المللی خلاف خود را به‌طور کامل جبران کند».

این قاعده درباره دولت عراق قابل اجراست. جبران خسارت نیز اشکال گوناگونی دارد. همان‌گونه که در طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) آمده است، جبران خسارت می‌تواند به‌شکل اعاده وضع به حالت سابق، پرداخت غرامت یا جلب رضایت زبان دیده یا ترکیبی از آنها باشد (ماده ۳۴ طرح مسئولیت). با اینکه در بخش آخر ماده ۹۱ پروتکل، اول از واژه «پرداخت غرامت» استفاده شده است؛ ولی تنها زمانی پرداخت غرامت امکان‌پذیر است که امکان اعاده وضع به حالت سابق وجود نداشته باشد. غرامت نیز عبارت است از مبلغی وجه نقد (یا کالا و خدمات) متناسب با مال ضایع‌شده یا خسارت وارده که به طرف مقابل پرداخت می‌شود (داعی الاسلام، ۱۳۸۷).

براساس گزارش سازمان ملل، عراق پانصد هزار اصله خرما را تماماً قطع کرده و تخریب مهندسی فراوانی در خاک ایران انجام داده است. این هیئت خسارت مستقیم را مبلغ ۹۹ میلیارد دلار و خسارت غیرمستقیم آن را ۱۵۰ میلیارد دلار و مجموعاً ۲۴۹ میلیارد دلار اعلام کرده است. متعاقب این گزارش، ایران میزان خسارت خود را هزار میلیارد دلار اعلام کرد. اگرچه سازمان ملل میزان خسارت ایران در جنگ تحمیلی را رسماً اعلام کرد، ولی قطعنامه ۵۹۸ هیچ سازوکاری را برای پرداخت خسارت به ایران تعیین نکرده است. به‌لحاظ حقوقی، دولت فعلی عراق جانشین رژیم پیشین است و تعهدات و حقوق دولت بعثی عراق طبق اصل جانشینی دولت‌ها به دولت جدید عراق منتقل می‌شود. بنابراین، دولت ایران باید خسارت جنگ تحمیلی را از دولت فعلی عراق دریافت کند. علاوه‌براین، طبق گزارش سازمان ملل درباره غرامت ایران در جنگ تحمیلی، تأسیسات نفتی کشورمان بارها مورد هجوم قرار گرفتند؛ از جمله پالایشگاه آبادان که یکی از بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های جهان است، به‌طور قابل توجهی تخریب شد. انهدام حوزه‌های نفتی و گازی جزیره خارک، که

بزرگ‌ترین تأسیسات بارگیری نفتی جهان است، به‌شدت آسیب دید و توانایی ایران برای ایجاد منابع کافی جهت رفع نیازهای ملی به‌شدت کاهش یافت. مجموع خسارات وارده ناشی از جنگ به‌لحاظ عدم تولید، استخراج، پالایش و فروش نفت و فرآورده‌های آن، بالغ بر ۲۴۸۷ میلیارد ریال، برابر با ۳/۱ میلیارد دلار بوده است؛ اما بعد از پایان هشت سال دفاع مقدس و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، یکی از بندهای این قطعنامه که همان موضوع پرداخت غرامت جنگی عراق به ایران بود، بنا به دلایلی تاکنون اجرایی نشده و همچنان مسکوت مانده است (ایسنا، ۱۳۹۷). در واقع، روی کار آمدن دولت مردمی در عراق، که در دوران جنگ با صلح نیز جزء متحدین ایران بودند، روند دریافت غرامت را کندتر می‌کند. بعضاً وقتی موضوع پرداخت غرامت به ایران مطرح شده است، کارشناسان و نخبگان عراقی به وضع نامناسب کشور و شرایط تحریم اشاره کرده و گفته‌اند که قادر به پرداخت غرامت نیستیم و با ما مدارا کنید. حتی این موضوع را عنوان می‌کردند که غرامت را ببخشید؛ اما جمهوری اسلامی هیچ‌گاه موافقت خود را با بخشش غرامت اعلام نکرده و تنها مراعات شرایط خاص کشور عراق را کرده است (اردستانی، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

به‌لحاظ حقوقی، دولت فعلی عراق جانشین رژیم پیشین است. تعهدات و حقوق دولت بعثی، طبق اصل جانشینی دولت‌ها، به دولت جدید عراق منتقل می‌شود. بنابراین، دولت ایران باید خسارت جنگ تحمیلی را از دولت فعلی عراق دریافت کند؛ چراکه در حقوق بین‌الملل این امر پذیرفته شده است که تغییرات سیاسی و حکومتی در کشورها تأثیری بر موضوع مسئولیت بین‌المللی و حتی بدهی‌های خارجی آنها نخواهد داشت. این امر در کنوانسیون ۱۹۸۳ وین راجع به جانشینی دولت‌ها بر اموال، اسناد و بدهی‌ها به‌نحوی پذیرفته شده است. بنابراین، تغییرات سیاسی عراق تأثیری بر موضوع مسئولیت بین‌المللی این کشور ندارد و حکومت جدید به‌عنوان جانشین نظام سیاسی گذشته و ادامه‌دهنده دولت پیشین عراق، مسئول جبران خسارات وارده بر دولت و ملت ایران در اثر جنگ تحمیلی به‌شمار می‌آید.

از این‌رو ایران از طریق ایجاد کارگروه مشترک ایران و عراق جهت تعیین خسارت جنگ تحمیلی، و نیز از طریق مجامع بین‌المللی از قبیل دیوان بین‌المللی دادگستری، همچنین با پیگیری مستمر دستگاه‌هایی از قبیل وزارت دادگستری، وزارت خارجه، معاونت حقوقی ریاست جمهوری و سایر ارگان‌های مسئول می‌تواند به طرح این موضوع در جلسات داخلی و بین‌المللی بپردازد و موضوع پرداخت غرامت را به‌صورت ویژه پیگیری کند تا حداقل حقوق از دست‌رفته قربانیان جنگ تحمیلی به‌نحوی از انجا جبران شود؛ چراکه پرداخت غرامت از سوی کشور عراق به ایران، مهر تأیید مضاعفی بر جرم و جنایت متجاوز است.

- اخوان فرد، مسعود و ایمان دهقانی‌دهج، ۱۳۹۷، «مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی دولت‌های حامی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران»، *مطالعات دفاع مقدس*، دوره چهارم، ش ۱ (۱۳)، ص ۹-۳۸.
- اردستانی، حسین، ۱۳۹۲، «ایران هیچ‌گاه موافقت خود را با بخشش غرامت جنگ اعلام نکرده است»، در: خبرگزاری ایسنا <https://www.isna.ir/news/92042515766/>
- ایسنا، ۱۳۹۷، «جزئیات غرامتی که عراق باید به ایران بپردازد»، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران <https://www.jamaran.news-59/986899->
- داعی الاسلام، محمدعلی، ۱۳۸۷، «مسئولیت بین‌المللی نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در عراق»، *نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، ش ۳۸، ص ۹۱-۱۲۲.
- دریگوندی، غلامرضا، ۱۳۷۶، *مفهوم جانشینی دولت‌ها و تأثیر آن بر تابعیت اشخاص طبیعی (حقیقی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- راعی، مسعود، ۱۳۸۶، «قابلیت اجرایی طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها در حوزه قواعد حقوق بشری»، *حقوق*، دوره سی و هفتم، ش ۴، ص ۶۵-۹۴.
- رضایی‌نژاد، ایرج، ۱۳۹۶، «صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در جنایات ارتكابی اعضای داعش: (تحلیل انتقادی گزارش دادستان دیوان)»، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، سال هفتم، ش ۳۱، ص ۷۷-۹۵.
- رنجبریان، امیرحسین و وحید بذار، ۱۳۹۷، «رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات نظامی خودفرمان و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها»، *حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۹، ص ۶۴-۸۴.
- «خلاصه حکم صادره از دادگاه بخش لاهه، بخش جنایی، راجع به مصدومین شیمیایی جنگ تحمیلی به تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵ (۲ دی ماه ۱۳۸۴)»، (۱۳۸۵)، *نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، ش ۳۴، ص ۲۳۳-۴۶۲.
- سیفی، بهزاد، ۱۳۹۹، «مسئولیت کیفری به‌کارگیری وسایل بدون سرنشین خودکار از دید حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، *آفاق امنیت*، سال سیزدهم، ش ۴۹، ص ۲۹-۵۴.
- شافع، میرشهبیز و وحید بذار، ۱۳۹۷، «جانشینی دولت‌ها در مسئولیت بین‌المللی»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۸۱، ص ۳۱۵-۳۳۶.
- شافع، میرشهبیز، ۱۳۸۰، «عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران با توجه به پروتکل اول ژنو ۱۹۷۷»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۵۱، ص ۱۰۷-۱۲۶.
- شمسایی، محمد و حجت سلیمی ترکمانی، ۱۳۸۷، «تأملی بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ناشی از نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، *فقه و حقوق*، سال پنجم، ش ۱۷، ص ۱۷۹-۲۰۵.
- صابر‌نژاد علویان، علی و محمد رضویراد، ۱۳۹۹، «معاونت در ارتكاب اقدامات متخلفانه در نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، *سیاست خارجی*، سال چهل و سوم، ش ۱، ص ۵۷-۷۴.
- فضائی، مصطفی و محمد ستایش‌پور، ۱۳۹۸، «بایستگی جانشینی دولت‌ها بر مسئولیت بین‌المللی به‌منزله یک گزاره حقوقی بین‌المللی؛ چستی و چالش‌ها»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره نود و چهارم، ش ۱، ص ۹۷-۱۱۶.
- ، ۱۳۹۹، «مفهوم جانشینی دولت‌ها در زمینه تعهدات ناشی از ارتكاب اعمال متخلفانه بین‌المللی: مطالعه تطبیقی آموزه‌های حقوقی و رویه محاکم بین‌المللی در گذار زمان»، *حقوق تطبیقی*، دوره هفتم، ش ۲، ص ۲۱۹-۲۴۴.

قریشی، سیدرسول، ۱۳۹۷، «بازخوانی مسئولیت بین‌المللی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران: تحلیل قطعنامه‌های شورای امنیت و سازوکار تعیین متجاوز»، *مطالعات دفاع مقدس*، دوره چهارم، ش ۳ (۱۵)، ص ۵۳-۸۲.
ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان، ۱۳۸۴، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مخاصات مسلحانه داخلی)*، تهران، میزان.
میرعباسی، سیدباقر، ۱۳۹۷، «غرامات تجاوز عراق به ایران و حقوق بین‌الملل»، موسسه حقوق بین‌الملل پاسارگاد، <http://internationallaw.blogfa.com>.
نمایان، پیمان، ۱۳۸۵، «بررسی جنگ ایران و عراق از منظر حقوق جزای بین‌الملل»، *دادرسی*، ش ۵۸، ص ۴۶-۵۱.
هنکرت، ژان ماری و همکاران، ۱۳۸۷، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ترجمه امور بین‌الملل قضایی ج.ا.ا. و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد.

Advisory Council on International Affairs (AIV) & Advisory Committee on Issues of Public International Law (CAVV), 2015, *Autonomous Weapon Systems the Need for Meaningful Human Control*, No. 97 AIV, No. 26 CAVV.

Breau, Susan, M. Aronsson, R. Joyce, 2011, *Discussion Paper 2: Drone Attacks, International Law, and the Recording of Civilian Casualties of Armed Conflict*, Oxford Research Group.

Garcia, Denise, 2016, "Future arms, technologies, and international law: Preventive security governance", *European Journal of International Security*, V. 1, p. 94-111.

Melzer, Nils & Etienne Kuster, 2016, "International Humanitarian Law Comprehensive Introduction", *International Committee of the Red Cross*, N.19, avenue de la Paix 1202 Geneva, Switzerland.

Melzer, Nils, 2013, *Human rights implications of the usage of drones and unmanned robots in warfare*, *Directorate General for External Policies of the Union Policy Department*, Editorial closing date: <http://www.europarl.europa.eu/committees/en/studies.html>.